

بسم الله الرحمن الرحيم

## تقدیر الله و ثبات و تغییر آن در قرآن

بحث درباره تقدیر و ثبات و تغییرش میتواند بحث شیرینی باشد ، چونکه تقدیر و ثبات و تغییرش هم بسیار مطرح اند و هم ماهیت و کیفیت آنها بسیار مجهول و احيانا خیلی گمراه کننده است . بعضی ها معتقد به تقدیر هستند ( به مفهوم جبر و بی ارادگی ) . برخی نیز به تغییر عقیده دارند و میگویند هر چیزی قابل تغییر است ( و منظورشان بیشتر نفی ارزشها و عدم التزام است ) . و عده ای هم جانب هر دو را میگیرند و معتقد به تقدیر!! و تغییر!! میباشند ( و به قول خودشان راه میانه را برگزیده اند ، و برای حل مشکل و تعدیل تقدیر! و پاسخگویی به انتظارات عصر! به روش مخلوط سازی! روی آورده اند). اما حقیقت غیر از اینهاست، و بویژه منظوری که از این مفاهیم ارائه میشود بسیار گمراه کننده است. اگر بخواهیم از موضع قرآن به مسئله نگاه کنیم میتوانیم به نتیجه برسیم و حقیقت را دریابیم، و آن اینست : **جهان هستی و زندگی بشری و اراده بشری « تقدیر الله رب العالمین »** است . بدین مفهوم که بر تمام جهان خلقت ، قوانین الله حاکم است ، و این قوانین ناشی از مشیت و اراده الله است . و تقدیر ( قضا و قدر ) به معنای تعیین شده و مُقدّر شده و مقرر شده است ، و منظور از آن ، همان قوانین و سنن الله در جهان هستی ، و حاکم بر زندگی ، و اجتماع ، و اراده بشری است .

### اجزای تقدیر الله در عالم هستی

حال باید ببینیم که تقدیر الهی (یا قضا و قدر) و آنچه الله مقدر و معین کرده و حکم قطعی در باره آن صادر نموده و سنن الهی محسوب می شوند ، چیست و چگونه میباشد . بنابر نصوص قرآن، تقدیر دارای اجزای بسیاری است، و هر جزئی از تقدیر ناشی از مشیت و اراده الله است . **اهم اجزای تقدیر الهی** در هستی و حاکم بر زندگی

و اراده بشری عبارتند از « ثبات و دوام »، « تغییر و تحول »، و « تزلزل و تردد ». این اجزای اساسی تقدیر، خود دارای اجزای: کوتاه مدت و میان مدت و دراز مدت و ابدی هستند، و میشود: ثبات و دوام کوتاه مدت، میان مدت، دراز مدت، و ابدی. تغییر و تحول کوتاه مدت، میان مدت، دراز مدت، و ابدی. تزلزل و تردد کوتاه مدت، میان مدت، دراز مدت، و ابدی. و اندازه کوتاه مدت و میان مدت و دراز مدت و ابدی بودن هم در رابطه با هر چیزی، معنای خاص خود را دارد. مثلاً این زمانها در مورد طبیعت اندازه هایی دارند و در رابطه با انسانها اندازه های دیگری. حیوانات و نباتات هم در این رابطه اندازه های خود را دارند. جهت فهم اجزای تقدیر الله رب العالمین و مستند کردن قضا و قدرش، در طی مطلب، مستقیماً به آیات قرآن مراجعه می کنیم، تا قضیه اساسی تقدیر (قضا و قدر) واضح و روشن گردد، و فهم و درکی قرآنی و توحیدی از تقدیر و سنن الهی بر قلوب اهل علم و ایمان و اسلامیت بنشینند. ان شاء الله.

### تقدیر الله پایه خلقت و هدایت شامل

قرآن حکیم در سوره اعلی (آیات ۱ و ۲ و ۳) در رابطه با تقدیر الله و خلقت جهان و هدایت آن بوسیله قوانینی که الله رب العالمین بر آن حاکم کرده چنین میفرماید: **سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (تقدیر ۱) الَّذِي خَلَقَ (تقدیر ۲) فَسَوَّى (تقدیر ۳) وَالَّذِي قَدَرَ (تقدیر ۴) فَهَدَى (تقدیر ۵):** «منزه و پاک گردان نام خالق برترین خود را، خالق که خلقت را خلق کرد و سپس آنرا نظم و نظام و تعادل بخشید، و خالق که خلقت را قانونمند نمود و بعد آنرا در مسیری مشخص و تعیین شده قرار داد». این آیه در حقیقت کلیت تقدیر الهی را در جهان خلقت به شیوه بلیغی ارائه میدهد و تقدیر حاکم بر هستی را در چند قاعده میان میدارد: **اولاً** محمد ص (و به تبع او همه مؤمنین و مسلمین) را دعوت به پاک گرداندن افکار خود از آلودگیهای شرک آمیز نسبت به الله و خالق اعلی میکند (تسبیح و تنزیه). **ثانیاً** بعد از اثبات توحید ربوبیت (وحدانیت خالق خلقت) اعلام میدارد که الله همان ذاتی است که جهان خلقت را خلق کرده و سپس آن را نظم و نظام و تعادل بخشیده است. **ثالثاً** بعد از زمینه سازی و آماده سازی جهان خلقت، بشریت را از تقدیر و معین کردن این خلقت عظیم و سپس هدایت و راه اندازی آن مطلع میگرداند. و به صورتی

واضحتر، «قَدَّر» یعنی اندازه گیری و هماهنگ کردن کل خلقت و اجزای آن برای مرحله بعدی که «هُدَى» میباشد. و هدی عبارت است از مسیری که کل خلقت و اجزایش بر اساس قوانین تعیین شده الهی در آن در حرکت بوده و بسوی سرنوشتی که قوانین تعیین شده اقتضاء میکنند به پیش میرود.

قرآن مُنزل در سوره فرقان (آیه ۱ و ۲) در مورد تقدیر و تعیین قوانین جهان خلقت بصورت مبسوطتری بشریت را چنین مطلع میگرداند: تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ (تقدیر ۱) لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (تقدیر ۲) الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (تقدیر ۳) وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا (تقدیر ۴) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ (تقدیر ۵) وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ (تقدیرات بی پایان) فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (قانون عام تقدیر):

«مبارک و مصدر خیر است الله رب العالمین، همان ذاتی که بر عبد خود (محمد ص) فرقان و مصدر تشخیص حق و باطل (قرآن) نازل کرد، تا برای جهانیان بیدار کننده و هشیار کننده باشد. همان ذاتی که حاکم ارض و آسمانهاست، و (بر خلاف تصور مشرکین) کسی را به فرزندی نگرفته است، و الله در حکمروایی خود شریکی ندارد و در خلقت جهان و قانونگذاری اش یکتاست. و الله همه چیز را در جهان خلق کرد، سپس و در مرحله بعد، قانون و مسیر مخلوقات را معین و مشخص نمود». این آیات بوضوح، ماهیت خلقت و تقدیرات آن را بیان میدارند و جهان هستی را به عنوان خلقتی قانونگذاری شده از طرف الله و دارای قوانین و سرنوشتی معلوم معرفی میکنند.

## تنوع تقدیر الله رب العالمین

بعد از ذکر آیات و توضیحاتی در باره تقدیر و ماهیت و اجزایش، حال نوبت ارائه انواع تقدیرات الله و مبنی بر: ثبات و دوام، تغییر و تحول، تغییرات مشروط، و تزلزل و تردد است، مثالهایی که بیشتر، تاریخ و نحوه زندگی و اراده بشری را به نمایش میگذارند و با تکیه بر آیات قرآن ارائه میگردند.

## تقدیر الله مبنی بر ثبات و استمرار

قرآن مُنیر در سوره فاطر آیات ۴۲ و ۴۳ ماهیت و چگونگی بخشی از تقدیرات الله را که بر پایه ثبات و دوام و استمرار بنا شده و سنن لایتغیر الله محسوب میشوند اینگونه بیان میکند:

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نَفُورًا، اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرَ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا : « و مشرکین قسم به الله یاد کرده و غلیظ ترین پیمانها اظهار داشتند که اگر بیدارگری (پیامبری) برایشان بیاید، حتما جزو یکی از هدایت یافته ترین امته‌ها خواهند بود ، اما هنگامیکه بیدارگر ( محمد مصطفی ) در میانشان ظهور کرد ، چیزی جز انکار و عناد نسبت به او و فرار از حق بر آنها نیفزود! ، و ادعاها و قسمها و پیمانهایشان هیچ درآمد! ، مشرکین در مقابل پیامبر ( بیدارگر ) راه استکبار و غرور در زمین پیش گرفته و مرتکب حيله گریهای زشت و غیر انسانی شدند ، و در حق بیدارگرشان از هیچ عمل خلاف و خیانتکارانه ای دریغ نورزیدند ، اما مکر سییء و زشت ، تنها صاحبانش را احاطه و فرا می گیرد و بالاخره به خودشان بر میگردد ، پس آیا منتظر غیر از سنن و قواعد گذشته اند! که روی داده و مبنی سرنوشت شوم منکرین پیامبران و بیدارگران است؟ بنابراین، هرگز تغییری در سنن و قواعد الله پدید نمیآید و هرگز تحولی در سنن و قواعد الله مشاهده نخواهد شد . « این آیه الهی ، **دو قاعده** ( تقدیر ) را تبیین میکند : یکی اینکه هر پیام و پیامبری، علیرغم ادعاهای عامیانه ، همیشه با موانع جدی و انکار بخشهایی از مردم و خاصتا اقشاری که از وضع شرک آمیز و استبدادی و تبعیض آمیز موجود بهره می برند ، رو برو شده و خواهد شد ، و این یک تقدیر الله است . **قاعده دوم** در رابطه با تغییر ناپذیری قواعد و سنن توحیدی در تاریخ تحولات اجتماعی می باشد . این قاعده اعلام می دارد که تغییر و تحولات اجتماعی دارای قواعدی است ، و این قواعد در هر تغییر و تحولی وجود دارند و پایه همه دگرگونیها هستند ، و این قواعد همان تقدیرات الله میباشند که بر تغییر و تحولات اجتماعی حاکمیت دارند . و نفی و انکار پیام جدید و متحول کننده از طرف حافظان وضع موجود ، و نیز سرنوشت شوم جامعه ای که تحول و تجدد را بر نمی تابد و آن را تحمل نمی کند ، و در جا می زند ، نمونه های این قواعد هستند .

قرآن منزل در سوره روم آیه ۳۰ نیز تغییر ناپذیری ماهیت خلقت الهی را توضیح میدهد و ماهیت خلقت بشری را مبنی بر سنن الهی و متکی بر قوانین ابدی و

ثابت الله اعلام میدارد: **فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَيْكِنَّا أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ** : « پس ای محمد روی خود را بسوی دین توحید راست بگردان و بر ماهیت خلقت الهی که ماهیت بشری بر آن نهاده شده است ملتزم باش ، ساخت و ماهیت هایی که الله تقدیر کرده است ، تبدیل و تغییر بردار نمی باشند ، اینست دین و روش پایدار ، و لیکن اکثر مردم از آن مطلع نیستند » . این آیه روشنگر با یک امر به رسول اکرم ( و همه مسلمین ) مبنی بر قرار گرفتن در خط توحید آغاز میشود . بعد خواهان التزام به فطرت و ماهیتی میشود که : **اولا** الهی و مبنی بر سنن و قوانین الله است ، **ثانیا** جهت اثبات ممکن و میسر بودن چنین التزامی ، اعلام میدارد که ماهیت بشری هماهنگ با سنن و قوانین الهی است و نسل انسان بر همان اساس خلق شده است . در نتیجه حرکت در خط توحید با ساخت و ماهیت بشر همخوانی دارد . و آیه ۵۶ (سوره ذاریات) نیز همین واقعیت را بیان میدارد: **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ** : « جن ( موجودات ناشناخته ) و انس ( مانوس - انسان ) را خلق نکردم جز برای اینکه اطاعت کنند و بر اساس قوانین الهی حرکت نمایند » . در دنباله آیه ، قرآن مبین ، ماهیت خلقت و پایه های سنن الهی را تغییر ناپذیر و آنها را پایدار و ابدی اعلام نموده ، و این پیداری را ستوده است . همه اینها اجزای تقدیر الله بحساب میآیند و خالق عالم خواسته که چنین باشند ، چون در چنین وضعی نتیجه بخش و هماهنگ و پایدار می ماند . و قرآن مجید در آخر آیه اعلام میکند که اکثر مردم از این سنن و از این قواعد خلقت و از پایه های ماهیت خود خبردار و مطلع نیستند ، اما تقدیر الله چنین است که هر انسانی در سایه سعی و تلاش خود میتواند از آنها مطلع شود و آنها را بکار گیرد .

در سوره انعام آیه ۳۴ ، سنت ثابت و تقدیر ابدی الله در مورد برخورد منفی جوامع بشری با رسولان الله و در رأس آنها رفتار کافرانه و انکاری حکام استبدادی ، که موجب آزار و اذیت بی پایان رسولان الله و نیز قتل و آوارگی آنها شده است ، و کلا مواضع انکاری در مورد دعوت جدید ، چنین بیان شده است : **وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مَبْدَل لِّكَلِمَاتِ اللَّهِ**

وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَأِ الْمُرْسَلِينَ : « و به تحقیق رسولانی قبل از شما هم تکذیب و انکار شده اند ، ولی بر پیام و راه تکذیب و انکار شده شان صبر و استقامت بخرج دادند ، و اذیت و آزار آنها ادامه داشت تا اینکه نصرت و یاری الله نصیبشان گردید ، و در کلمات ( وعده ها و قوانین الله ) تبدیل و خلافی راه ندارد و تا ابد پایدار و محل تکیه‌اند ، و به تحقیق در این رابطه ( از طریق آیات قرآن ) از انبیاء و سرگذشت رسولان مطلع شده ای . اینهم سنن و تقدیرات دیگر الله رب العالمین در میدان زندگی و در میدان جنگ حق و باطل . تکذیب رسولان و بیدارگران ، توسط ملاء و مترفین و حافظان شرک و استبداد و تبعیض ، یک سنت و تقدیر الله است ، و در دوره محمد مصطفی نیز تکرار شده است . همچنین صبر و استقامت رسولان و بیدارگران و اهل توحید نیز در مقابل اذیت و آزار کفار و مشرکین و مستبدین یک سنت و تقدیر الله است ، که در طول تاریخ مبارزات توحیدی تکرار شده است ، و حالا هم این صبر و استقامت در راه توحید و آزادی به قوت خود باقی و بلکه حادثه‌تر گشته است . و در این میدان ، الله نیز از راهروان خط توحید غافل نیست و وعده‌های الهی مبنی بر نصرت یاران توحید و آزادی همیشه پایدار است ، و اینهم یک تقدیر و سنت الله می باشد . این وعده ها در آیات متنوع قرآن به تفصیل آمده و نمونه ها آورده اند . و الله جل جلاله در قرآن مبین ، روی حقانیت و حتمیت تحقق وعده هایش ، تأکید بسیار صریحی کرده است . و مثلاً در سوره غافر آیه ۷۷ ثبات و دوام و تخلف ناپذیری وعده‌های الله چنین اعلام شده است : **فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ** : «ای محمد ، مقاومت کن و در کارت استمرار داشته باش ، به تأکید وعده ها و تحقق آیات الله راست و حتمی هستند ، پس این وعده ها و آیات ، بعضی شان در زمان حیات تو متحقق خواهند شد و واقعیت آنها را به شما نشان خواهیم داد ، و بعضی دیگر از وعده‌ها و آیات الله نیز بعد از مرگ شما جامه عمل خواهند پوشید ، و بعد از آن هم ، اهل شرک و کفر ، ناگزیر بسوی ما باز خواهند گشت . »

این آیه مبین نیازی به توضیح ندارد ، و حالا که بعد از رسول و بیشتر از ۱۴۰۰ سال بعد از این آیه زندگی میکنیم ، بخوبی میدانیم که الله در دوره حیات رسول چه پیروزیهایی نصیب اسلام و مسلمین کرد ، و بعد از مرگ رسول هم چه پیروزیهای

بزرگی نصیب اسلام و مسلمین گردید. و تنها در دوره حیات رسول تقریباً کل شبه جزیره عربستان به اسلام گروید و داخل اسلام گردید، و بعد از حیات رسول نیز (و تا حال) دایره اسلام و مسلمین به کل جهان گسترش یافته، و جهان اسلام، مُسَلَّم ترین جهان، و امت اسلامی، منسجم‌ترین جامعه بشری شده است. از نظر فکری و فرهنگی نیز، در طول این تاریخ طولانی، دین اسلام عمیقترین و ریشه دارترین فکر و فرهنگ بشری بوده، و در صورت برقراری حاکمیت اسلام اجتهادی، بدون شک، نسل بشری در سطح جهان، و در همین حیات دنیوی، به یک زندگی مطلوب دست خواهد یافت، و سرفراز و مسرور، به سوی خالق و معبود خود باز خواهد گشت. و به تأکید آینده هم با توجه به وعده های الله از آن اسلام و مسلمین است.

همچنین در میدان ثبات و پایداری و عود الله و حتمیت جاری شدن آیات و سنن او و عدم تقدیم و تأخیر آنها و عدم امکان تأثیرگذاری بشر روی این قوانین، قرآن مجید در سوره یونس آیه ۴۹ چنین اعلام میدارد: **قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ**: «ای محمد بگو و اعلام کن که من صاحب و مالک ضرر و نفعی حتی برای نفس خود نیستم، مگر آنچه الله و قوانینش بخواهند و در چهار چوبه سنن الله قرار گیرد. برای هر امت و جامعه ای، اجل و زمانی معین شده است، اگر اجل و زمان حساب رسی آنها فرارسید، پس نه ساعتی تأخیر میکنند و نه ساعتی به جلو می افتند». این آیه، قانونمندی تقدیرات و سنن الله را به وضوح اعلام میدارد، و صراحتاً تأکید میکند که خواست و اراده هیچ کسی نمیتواند در سرنوشت قواعد و سنن الهی تأثیر گذار باشد، و در همین آیه، عدم تأثیر گذاری شخص رسول به نمایش در آمده است، و محمد «ص» از طرف الله موظف میشود که به همگان اعلام دارد که: ایشان کاره ای نیست!، و هیچ چیزی در اختیار او نمی باشد!، و قوانین و سنن الهی (تقدیرات الله) به کسی و از جمله به شخص رسول اجازه اثر گذاری نمیدهند. البته طبق نصوص قرآنی و در همین آیه، اگر خواست و اراده ای در چهار چوبه قواعد و تقدیرات الله باشد، امکان برآورده شدنش وجود دارد، و بنابر تقدیر الله اراده و عمل و تصمیم بشری، در زندگی و سرنوشت

بشر، تأثیر اساسی دارند، و میزان در حسابرسی الله نیز عملکرد و نحوه حرکت انسانهاست. این وضع و این شیوه اثر گذاری، برای خود رسول الله نیز، همانطور که در متن آیه هم آمده است، صادق بوده و بهمین منوال است.

در این آیه صریح، و بسیاری از آیات دیگر، اعلام میشود که سرنوشت یک قوم و جماعتی، در چهارچوبه قوانین و تقدیرات الله قرار دارد، و وقتی که مجال ظهور این سنن و قوانین (قضا و قدر) فراهم گردید، از دست هیچ کسی، هیچ کاری ساخته نیست، و آنچه طبق قوانین و سنن الهی باید متحقق شود، ظهور میکند و وقوع وعده الله حتمی میشود. اگر بخواهیم محتوای این آیات را با وضع و عقاید غیر توحیدی مسلمین بسنجیم، از تأسف عمیق نسبت به حال و عقاید مسلمین، گریزی نخواهیم داشت. تصور کنید؛ نصوص قرآنی در مورد شخص رسول و در رابطه با امکان بر آورده شدن خواستههای مردم از طریق خود نبی اکرم «ص» چه میگویند؟! و چگونه الله در قرآن منزل (در این آیه و آیات دیگر) به رسولش امر میکند که به مردم اعلام دارد که: هیچ کاری از من ساخته نیست و حتی مالک نفع و ضرر شخص خود نیستم!!، اما افسوس، درمقابل این تعالیم پاک توحیدی، میتوان نگاهی به مرده پرستی بعضی از مسلمین! انداخت؛ نگاهی که بی شک، تهوع آور و نزد اهل توحید و عقل و انصاف لایق استفراف است. این مرده پرستی و طلب کمک از مردگان و کلاً پناه بردن به غیر از الله، به جای تکیه بر اراده و انتخاب و عمل، که عطایای الله به بشریت است، حاصل بیخردی و عقب ماندگی و گمراهی این نوع مسلمین است، و آنها از تقدیر: **كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً** (مدثر- ۳۸): «سرنوشت هر کسی در گرو عملکرد خودش میباشد» بکلی غافل شده اند. بعد هم این نوع مسلمین، که در طی زمان از خرافه گری و شرک بازی نتیجه ای نگرفتند، از فرط ناتوانی و نادانی، متأسفانه بجای بازگشت به قرآن و افکار توحیدی و عمل خویش و بازسازی امت واحده، که راه نجات مُقَدَّر شده اند، متوجه و متوهم کفار و مشرکین و استعمارگران شدند، و بدینصورت زیر سلطه جهل و فقر و استبداد و استعمار قرار گرفتند و کارشان به افتضاح منتهی شد. بله از مرده پرستی به بیگانه پرستی روی آوردند!، یا آنها را مخلوط کرده مشترکا پرستیدند!، اما علیرغم اینکه هر روزه تکرار میکنند که: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ**

نَسْتَعِينُ، ولی هرگز راه و رسم توحید را یاد نگرفتند . و سؤال اساسی اینجاست که آیا کسانی که پناه به غیر از الله و پناه به غیر از قوانین و سنن الهی میبرند و مثلا از مردگان و استعمارگران طلب یاری و کمک میکنند ، نام قرآن و توحید را شنیده اند؟! آیا آنها از این مطلب مطلع شده اند که پیام اصلی اسلام نفی شرک و چند جهتی و وابستگی و زیر سلطگی و تلاش برای استقرار توحید و آزادی و استقلال است؟! یا اینکه جهل و تفرق و ناتوانی همه چیز را بی معنا و حتی کار از شرک و چند جهتی و وابستگی گذشته است؟!

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۱۹ رمضان ۱۴۲۴-۲۳ آبان ۱۳۸۲

ادامه دارد